

صراط



روح قضیه (قیام اباعبدالله) این است که امام حسین (ع) در این ماجرا، با یک لشکر روبه‌رو نبوده با جماعتی از انسان‌ها، هر چند صد برابر خودش، طرف نبوده؛ امام حسین (ع) با جهانی انحراف و ظلمات روبه‌رو بود. این مهم است. با یک جهان کج‌روی و ظلمت و ظلم مواجه بود، که آن جهان هم همه چیز داشت. پول، زر و زور، شعر، کتاب و محدث و آخوند داشت، وحشت‌انگیز بود. تن آدم معمولی – حتی آدم فوق معمولی – در مقابل

امام حسین(ع) با یک دنیا مواجه بود

عظمت پوشالی آن دنیای ظلمت می‌لرزید. قدم و دل امام حسین (ع) در مقابل این دنیا نلرزید؛ احساس ضعف و تردید نکرد و یک‌تکه وسط میدان آمد. عظمت قضیه این است که قیام له است. کار امام حسین (ع) در کربلا، با کار جد مطهرش حضرت محمد بن عبدالله (ص) در بعثت، قابل تشبیه و مقایسه است. قضیه این است. همان‌طور که پیغمبر در آنجا، یک‌تنه با یک دنیا مواجه شد، امام حسین (ع) هم

بررسی نگرش‌های انحرافی پیرامون فلسفه قیام امام حسین(ع)

محاسبه عاشورا با ذهن دنیامدار وهابیت!

■ حسین محبوبی

واقعۀ عاشورا، با شرایط و ویژگی‌های منحصر به فرد خود، در بین خواص و صاحب‌سختان جامعه اسلامی، بحث‌های زیادی به پا کرد. دلایل قیام امام حسین (ع) در شرایط خاص زمانی و اجتماعی خود، سبب شکل‌گیری تحلیل‌هایی متفاوت و بعضاً متناقض شد که این نگرش‌ها، گاه به ارائه یک فلسفه بدلی و جعلی از علل این رخداد عظیم شده است. اینکۀ انگیزه امام (ع) از قیام چه بوده است و اینکه به چه علت امام حرکت خود را از مدینه به سمت کوفه آغاز کرد؟ آیا علت اصلی و نهایی نهضت امام، دستیابی به قدرت و حکومت بوده است یا صرفاً اصلاح وضعیت موجود و انحرافات پدید آمده در امت جدش؟ آیا ایشان نمی‌توانستند با روشی مسالمت‌آمیز به اهداف خود دست یابند و مانع از تکاب مردم به ریختن خون و قتل نوه پیامبر خدا (ص) شوند؟ این پرسش‌ها نشان می‌دهد زاو به نگاه افراد به حادثه کربلا، می‌تواند فلسفه واقعۀ عاشورا را دستخوش تفسیرهای گوناگون کند. در ادامه به بررسی یکی از نگرش‌های غیرواقعی پیرامون فلسفه قیام اباعبدالله پرداخته و آن را مورد بررسی و تحلیل قرار خواهیم داد.

■■■■

■ دیدگاه و برداشت «دنیابرایانه» از قیام امام

یکی از تفاسیری که از فلسفه قیام امام ارائه شده و برخی عالمان غیرشیعی که البته برشمار نبوده‌اند، کوشیده‌اند آن را ترویج کنند؛ تفسیر این قیام با انگیزه مادی است. چنین تفسیری را البته در برخی افراد صاحبنام مدینه و مکه نیز که در مسیر حرکت امام، گفت‌وگوهای با ایشان داشتند، می‌توان مشاهده کرد. این افراد با این تصور که فلسفه حرکت امام به سمت کوفه، دستیابی به ریاست و قدرت بوده است، ایشان را از ادامه حرکت باز داشته و تلاش می‌کردند ایشان را به این استدلال برسانند که با توجه به وضعیت سیاسی و اجتماعی کوفه، تشکیل حکومت در این شرایط تقریباً غیرممکن است و لذا فلسفه حرکت از اساس مورد سؤال است. عبدالله بن عمر، فرزند خلیفه دوم، از جمله افرادی است که در گفت‌وگویی می‌کوشد امام را از رفتن بازدارد. عبدالله این مطیع از دیگر افرادی است که از اباعبدالله (ع) می‌خواهد از رفتن به کوفه صرف‌نظر کند و به امام می‌گوید: «تو را به خدای سپسر رسول خدا(ص)، اجازه مده حرمت اسلام شکسته شود! تو را به خدا، حرمت عرب را حفظ کن! به خدا سوگند، اگر در پی حکومت (امروز) در دست بنی‌امیه است، باشی، تو را می‌کشند و اگر تو را یکشدند، بعد از شما هرگز از کسی نمی‌هراسند.»

این تفسیر که امام می‌کوشد تا برای کسب مقام حکومت در دنیا، به جنگ با حاکم‌رود، در قرون بعدی نیز دامنگیر برخی مورخان یا اندیشمندان غیرشیعی شد و متأسفانه در برخی کتب خود این نگاه نادرست و برداشت دنیایی از قیام امام حسین(ع) را ترویج دادند که نهایتاً منجر به مخدوش شدن فلسفه قیام حضرت و رواج صورتی تحریف‌شده از نهضت کربلا می‌شود. این افراد بر این باورند که چون طبق محاسبات دنیایی، نتیجه قیام، قابل پیش‌بینی بودن است، لذا امام حسین(ع) نگویند که باید، دقت لازم را در سنجش قدرت حکومت و آرزوایی بودن خود به خرج نداد و این مسئله، نتایج زیانباری به همراه داشت و نهایتاً به تفرقه بیشتر میان امت پیامبر انجاملد! در ادامه به برخی نقل‌های ذکر شده در این دیدگاه استناد می‌شود.

■ حسین باید زراعت می‌کرد!

قاضی ابوبکر بن عربی اندلسی، از نویسندگان و متفکران عامه و مؤلف کتاب «المواصم من القواصم» نگرش خود به واقعۀ کربلا را اینطور بیان می‌کند: «اگر حسین بن علی که بزرگ ترین امت و پیسر بزرگ این امت و شریف‌ترین شخص و پسر شریف‌ترین شخص امت بود، در خانه خود می‌نشست یا به زراعت یا دامداری می‌پرداخت، مقرون به صلاح و صرفه بود و اگر مردم از او درخواست قیام به حق می‌کردند، آن نان نمی‌پذیرفت و توجه به هشدار رسول خدا(ص) می‌کرد که از فتنه در امتش بپسم داده بود و به خاطر می‌آورد که رسول خدا(ص) از صلح حسن بن علی(ع) ستیاش کرده است؛ اگر او تنها به این نکته توجه می‌کرد که حسن بن علی(ع) با آن همه نیروی نظامی خود حکومت و خلافت را از دست داد، چگونه او می‌تواند به کمک اوباش و اراذل کوفه خلافت را چنگ آورد؟ چنین حادثه تاسفباری هرگز رخ نمی‌داد!»

این کثیر از علمای قرن هفتم نیز در فصلی تحت عنوان «قصه حسین بن علی و علت خروج وی به سه همراه اهل بیثش به سوی عراق در طلب امرات» در کتاب

اندیشه

دیناآرنا

دیناآرنا

دیناآرنا

دیناآرنا

دیناآرنا

دیناآرنا

دیناآرنا

دیناآرنا

دیناآرنا

دیناآرنا

دیناآرنا

دیناآرنا

دیناآرنا

دیناآرنا

دیناآرنا

دیناآرنا

دیناآرنا

دیناآرنا

دیناآرنا

دیناآرنا

دیناآرنا

دیناآرنا

دیناآرنا

دیناآرنا

دیناآرنا

دیناآرنا

دیناآرنا

دیناآرنا

دیناآرنا

دیناآرنا

دیناآرنا

دیناآرنا

دیناآرنا

دیناآرنا

دیناآرنا

دیناآرنا

دیناآرنا

دیناآرنا

دیناآرنا

دیناآرنا

دیناآرنا

دیناآرنا

دیناآرنا

دیناآرنا

دیناآرنا

دیناآرنا

دیناآرنا

دیناآرنا

دیناآرنا

دیناآرنا

دیناآرنا

دیناآرنا

دیناآرنا

دیناآرنا

دیناآرنا

دیناآرنا

دیناآرنا

دیناآرنا

دیناآرنا

دیناآرنا

دیناآرنا

دیناآرنا

دیناآرنا

دیناآرنا

دیناآرنا

دیناآرنا

دیناآرنا

دیناآرنا

دیناآرنا

دیناآرنا

دیناآرنا

دیناآرنا

دیناآرنا

دیناآرنا

دیناآرنا

دیناآرنا

دیناآرنا

دیناآرنا

دیناآرنا

دیناآرنا

دیناآرنا

دیناآرنا

دیناآرنا

دیناآرنا

دیناآرنا

دیناآرنا

دیناآرنا

دیناآرنا

دیناآرنا

دیناآرنا

دیناآرنا

دیناآرنا

دیناآرنا

دیناآرنا

دیناآرنا

دیناآرنا

دیناآرنا

دیناآرنا

دیناآرنا

دیناآرنا

دیناآرنا

دیناآرنا

دیناآرنا

دیناآرنا

دیناآرنا

دیناآرنا

دیناآرنا

دیناآرنا

دیناآرنا

دیناآرنا

دیناآرنا

دیناآرنا

دیناآرنا

دیناآرنا

دیناآرنا

دیناآرنا

دیناآرنا

دیناآرنا

دیناآرنا

دیناآرنا

دیناآرنا

دیناآرنا

دیناآرنا

دیناآرنا

دیناآرنا

دیناآرنا

دیناآرنا

دیناآرنا

دیناآرنا

دیناآرنا

دیناآرنا

دیناآرنا

دیناآرنا

دیناآرنا

دیناآرنا

دیناآرنا

دیناآرنا

دیناآرنا

دیناآرنا

دیناآرنا

دیناآرنا

دیناآرنا

دیناآرنا

دیناآرنا

دیناآرنا

دیناآرنا

دیناآرنا

دیناآرنا

دیناآرنا

دیناآرنا

دیناآرنا

دیناآرنا

دیناآرنا

دیناآرنا

دیناآرنا

دیناآرنا

دیناآرنا

دیناآرنا

دیناآرنا

دیناآرنا

دیناآرنا

دیناآرنا

دیناآرنا

دیناآرنا

دیناآرنا

دیناآرنا

دیناآرنا

دیناآرنا

دیناآرنا

دیناآرنا

دیناآرنا

دیناآرنا

دیناآرنا

دیناآرنا

دیناآرنا

دیناآرنا

دیناآرنا

دیناآرنا

دیناآرنا

دیناآرنا

دیناآرنا

دیناآرنا

دیناآرنا

دیناآرنا

دیناآرنا

دیناآرنا

دیناآرنا

دیناآرنا

دیناآرنا

دیناآرنا

دیناآرنا

دیناآرنا

دیناآرنا

دیناآرنا

دیناآرنا

دیناآرنا

دیناآرنا

دیناآرنا

دیناآرنا

دیناآرنا

دیناآرنا

دیناآرنا

دیناآرنا

دیناآرنا

دیناآرنا

دیناآرنا

دیناآرنا

دیناآرنا

دیناآرنا

دیناآرنا

دیناآرنا

دیناآرنا

دیناآرنا

دیناآرنا

دیناآرنا

برای کسب حکومت، اینان به این مسئله توجه نکردند که عمال یزید بن معاویه، در فرصت‌های ایشان با حکومت فاسق هستند. از قضا به دلیل همین تهدید و فشارها بود که ایشان به صورت مخفیانه و شبانه به همراه عیال و خانواده، ترک مدینه کردند و در مکه نیز به دلیل نفوذ جواسیس و احتمال قتل ایشان، موفق نشدند که اعمال حج را به پایان ببرند و حتی حین خروج از مکه به روایت تاریخ، مورد تعقیب نظامیان اجیر شده توسط حکومت قرار گرفتند. نهایتاً و در مسیر کوفه، سپاه ابن زیاد به فرماندهی «حر بن یزید» به منظور محاصره امام، مسیر را بر وی بسته و ایشان را مجبور به توقف و اطراق در بیابان نینوا کردند. در روز عاشورا نیز حضرت بارها و بارها اباعبدالله(ع) ضمن برقراری ارتباط با سپاه دشمن، کوشیدند تا از بروز جنگ و ارتکاب قتل خود یارانش که به شقاوت ابدی لشکریان عمر بن سعد می‌انجامید پیشگیری کند.

از سوی دیگر، محققانی که علت برپایی قیام حسینی را طلب حکومت و ریاست دنیوی برمی‌شمردند، معتقدند العیاذ بالله اشتباه محاسباتی اباعبدالله(ع)زمینه را برای شهادت ایشان مهیا کرد چراکه ایشان در ارزیابی همراهی و مساعدت کوفیان، همچنین میزان عداوت بنی‌امیه با بنی‌هاشم و نیز از توان بالای نظامی لشکر یزید غفلت کرد. این نگرش نوعی سطحی‌نگری نسبت به شخصیت اباعبدالله را

نشان می‌دهد چراکه ایشان بیش از هر کس دیگر، به بی‌وفایی کوفیان و تنها گذاشتن امام در زمان حساس واقف بودند. تجربه حکومت پدرشان امیرالمؤمنین(ع) مؤید همین مسئله بود و گلايه‌های متعدد حضرت از سستی و اهمال کوفیان، نشان می‌دهد امام حسین(ع) تجربه و پیش‌زمینه چنین مسئله‌ای را داشته و آن را پیش‌بینی می‌کردند. امام در طول مسیر حرکت به سمت کوفه، بارها و بارها خبر از شهادت خود می‌دهند و این مسئله نشان می‌دهد که امام از عاقبت امر و عدم همراهی کوفیان برای برپایی قیام علیه یزید و تشکیل حکومت به خوبی آگاهند و نسبت دادن این مسئله که ایشان تحلیل درستی